

حج، عامل هویت‌یابی مسلمانان و جامعه اسلامی

مجتبی حیدری*

چکیده

هویت در اصطلاح، شامل مجموعه‌ای از خصوصیات جسمی، روانی و اجتماعی است که شخص را از دیگران متمایز می‌کند. از سوی دیگر، حج عبادتی بزرگ است که افزون بر آثار معنوی، در هویت‌بخشی به مسلمانان نیز تأثیر مهمی دارد. تأثیرگذاری حج بر هویت مسلمانان، عمدتاً از دو جنبه است؛ هویت دینی و هویت فرهنگی. در زمینه هویت دینی، حضور در مناسک حج، پرسش‌های بنیادینی را برای افراد مطرح می‌کند و آنان را به پاسخ دادن یا یادآوری و توجه به پاسخ‌های آنها وامی‌دارد و از خواب غفلت بیدارشان می‌کند و بدین طریق، هویت دینی آنان را بازیابی و تثبیت می‌کند. همچنین انجام دادن مناسک حج، برخورداری از هویت اسلامی را به فرد فرد زائران خانه خدا القا می‌کند و آنان را از غیر مسلمانان متمایز می‌سازد و بدین طریق، مسلمانان را از هویتی غیر از سایر مؤمنان به خداوند، برخوردار می‌کند. اما در زمینه هویت فرهنگی، مسلمانان با انجام دادن مناسک حج، مؤلفه‌های مهم هویت فرهنگی؛ از قبیل دین، زبان، تاریخ، و عامل روان‌شناختی را در وجود خود تحکیم و تثبیت می‌کنند و از این طریق هویت فرهنگی خود را تقویت می‌نمایند. تقویت هویت فرهنگی مسلمانان، تحکیم و گسترش هویت فرهنگی جامعه اسلامی را به دنبال می‌آورد.

کلیدواژه‌گان: هویت، هویت‌یابی، حج، جامعه اسلامی

مسئله «هویت» یا تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش «من کیستم؟» موضوع تازه‌ای نیست و از دیرباز ذهن انسان را به خود مشغول داشته است. از یک منظر می‌توان گفت مسئله «هویت»، سابقه‌ای به بلندای تاریخ بشریت دارد. از آن زمان که آدمی احساس کرد باید به پرسش از «کیستی» و «چیستی» خویش در برابر طبیعت و محیط اجتماعی پاسخ دهد، مقوله‌ای به نام «هویت» شکل گرفت؛ به دیگر سخن، انسان از زمانی که شناخت خود را آغاز کرد، این مسئله برایش مطرح شد.

اهمیت مسئله غامض و پیچیده هویت در عصر حاضر که با مقتضیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای رو به روست تا بدانجاست که این مسئله، علی‌رغم سابقه دیرینه و قدمت طولانی، نه تنها رنگ کهنگی به خود نگرفته، بلکه به یکی از مشغله‌ها و دغدغه‌های اساسی بسیاری از پژوهشگران رشته‌های گوناگون بدل شده است. چگونگی تحول هویت در مراحل مختلف سنی، عوامل شکل‌گیری و تحول هویت، انواع هویت و بسیاری مسائل دیگر، موضوع بحث صاحب‌نظران روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و رشته‌های دیگر است.

از سوی دیگر، حج به عنوان یکی از مناسک بزرگ اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان دارد. همه ساله میلیون‌ها نفر از مسلمانان از سرزمین‌های دور و نزدیک برای انجام دادن مناسک حج و عمره به سوی بیت الله الحرام حرکت می‌کنند تا از این عبادت بزرگ بهره‌برند و جان خود را در زلال مناسک آن شست‌وشو دهند.

با این حال، تأثیرات حج، صرفاً به آثار و نتایج عبادی و معنوی آن خلاصه نمی‌شود. این عمل، در کنار آثار معنوی، کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی نیز دارد که اهمیت آن را مضاعف می‌کند. وجود چنین آثار و نتایجی برای مناسک حج، باعث می‌شود محققان و صاحب‌نظران در امور فرهنگی جامعه از کنار آن، به سادگی نگذرند و درباره آن تأمل بیشتری داشته باشند.

یکی از ابعاد تأثیرگذاری حج را می‌توان در زمینه هویت فردی و جمعی دانست. در واقع، با توجه به گستردگی تأثیرگذاری حج بر افراد و جامعه اسلامی، می‌توان تأثیر حج بر هویت مسلمانان و جوامع اسلامی را به عنوان موضوعی قابل توجه بررسی کرد. سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است: آیا این عمل در زمینه هویت بخشی به مسلمانان هم نقش ایفا می‌کند؟ آیا با توجه به تأثیرگذاری زیارت خانه خدا در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان، می‌توان گفت که این عمل عبادی بزرگ، در هویت‌یابی مسلمانان نیز نقش دارد؟ بررسی این امر و چگونگی آن، موضوع نوشتار پیش روست.

تعریف هویت و انواع آن

مبحث هویت به معنای جدید آن، از طریق ترجمه متون اروپایی به زبان فارسی راه یافته است. لذا مترجمانی که واژه «identity» (= هویت) را از متون لاتین به فارسی ترجمه کرده‌اند. از معادل‌هایی مانند «این‌همانی» و «همانستی» استفاده کرده و برای متضاد آن، واژگانی چون «بی‌خویشتنی»، «از خود بیگانگی»، «بی‌هویتی» و «بی‌خودی» را به کار برده‌اند (ربانی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶).

«هویت» (معادل identity)، واژه‌ای عربی است و ریشه آن به واژه «هو» بازمی‌گردد که به غایت، نهایت و کمال مطلق اشاره دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۳ش، ص ۸). هویت از نظر لغوی در زبان فارسی به معنای «حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد» (عمید، ۱۳۸۸ش، ص ۹۰۸)، و «آنچه موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود» (مشیری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۷۷)، و نیز «یکی بودن با ذات یا یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر» (الطایی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۳) به کار رفته است.

اما در اصطلاح، هویت به معنای احساس تشخیص یا تعریفی است که هر کسی از خودش دارد. این تعریف اغلب در پاسخ به پرسش «من کیستم؟» ارائه می‌شود و شامل مجموعه‌ای از خصوصیات جسمی، روانی و اجتماعی است که او را از دیگران متمایز می‌سازد (شریفی‌نیا، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲۶). بنابراین، هویت هر پدیده‌ای، بیانگر هیئت و ماهیت وجودی ذات آن است و به ویژگی یکتایی، فردیت و تفاوت‌های اساسی‌ای که شخص یا گروه را از همه افراد یا گروه‌های دیگر متمایز می‌کند، اشاره دارد (الطایی، ص ۳۴)؛ به تعبیر دقیق‌تر، «هویت» عبارت از معانی ذهنی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک «خود» فردی یا اجتماعی و احساس تعلق و تعهد نسبت به آن خود است (جنکینز، ۱۳۸۱ش، ص ۳).

کسب هویت، پاسخی است به نیاز آدمی برای درک خود به عنوان کسی که به‌رغم داشتن ویژگی‌های مشترک با دیگران، از آنها متمایز و جداست. تشکیل هویت، موجب تولید احساس انسجام و یکپارچگی درونی در فرد می‌شود که بر اساس آن، زندگی برای وی هدف و معنا می‌یابد. برخورداری از هویتی مشخص و مستقل، نه تنها یکی از عوامل مهم سلامت روانی و رفتاری است، بلکه به زندگی فردی و اجتماعی شخص معنا می‌دهد و آن را پویا و رو به پیشرفت می‌سازد (شریفی‌نیا، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲۶).

هویت را به طور کلی می‌توان به دو قسم تقسیم کرد: هویت فردی و هویت جمعی. اقسام دیگر هویت، زیرمجموعه‌ی یکی از این دو قسم‌اند. اکنون در اینجا توصیفی کوتاه از هویت فردی و هویت جمعی ارائه می‌شود:

هویت فردی (personal identity)

مفهوم هویت، آن‌گونه که امروزه در ادبیات علمی و دانشگاهی مطرح است، از نظر جایگاه و مبدأ اولیه، منشأ روان‌شناسانه دارد و اگرچه سابقه کاربرد آن در معارف نظری و به ویژه فلسفه، قدیمی‌تر است، کاربرد روان‌شناسانه این مفهوم، رواج بیشتری یافته است (میرمحمدی، ۱۳۸۳ش، ص ۸۹).

ژاکوبسن (Jacobson, J) در اثر خویش با عنوان «اسلام در حال گذر (Islam in Transition)» به بررسی و تعریف هویت از منظر روان‌شناختی پرداخته و نوشته است:

«بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان، شخصیت هویت را در درجه نخست، امری فردی و شخصی می‌دانند و معتقدند که دو معنا و جنبه اصلی هویت، به ویژگی‌های شخصیتی و احساس فرد معطوف هستند... از این دیدگاه، هویت عبارت است از: احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی...» (ژاکوبسن، ۱۹۹۸، ص ۹).

هویت جمعی (collective identity)

جامعه‌شناسان از واژه «هویت» معنای دیگری را اراده می‌کنند. در اصطلاح جامعه‌شناسی، هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی، بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند، و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز سازد (الطایی، ص ۱۳۹).

به هویت از دیدگاه جامعه‌شناسان، «هویت جمعی» گفته می‌شود. بدین ترتیب، هویت جمعی، مجموعه ویژگی‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و خصوصیات است که متعلق

به یک واحد بسیار کلان به اسم ملت است؛ به تعبیر دیگر، هویت جمعی، بیانگر اهداف، رفتارها، تفکرات، احساسات و تمایلات مشترک یک جمع است که نوعی احساس تعهد و وفاداری به آن گروه را در اشخاص برمی‌انگیزد. هویت جمعی معمولاً به ارضای نیازهای تعلق، احترام و امنیت در افراد منجر می‌شود. هرچه این هویت قوی‌تر باشد، احساس مسئولیت و وفاداری شخص به آن جمع، عمیق‌تر و پایدارتر خواهد بود.

هویت جمعی بر اثر فرایند اجتماعی شدن حاصل می‌شود و طی آن، افراد یک جامعه، گروه یا صنف، بیشتر با ضمیر «ما»، خود را به آن جامعه، گروه یا صنف متعلق و مدیون می‌دانند و در برابر آن، نوعی احساس تعهد و تکلیف می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۰).

حج و هویت‌بخشی به مسلمانان

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، حج به عنوان عبادتی بزرگ، علاوه بر نتایج معنوی و اخروی، آثار و کارکردهای مهمی برای افراد و جامعه در پی دارد که یکی از آنها هویت‌بخشی به مسلمانان و جامعه اسلامی است. برای آشکار شدن این کارکرد حج، در ادامه تأثیر مناسک حج در رشد و گسترش دو قسم از اقسام هویت؛ یعنی هویت دینی و هویت فرهنگی را بررسی می‌کنیم:

الف) هویت دینی

دین نقش مهمی در شکل‌گیری هویت انسان‌ها ایفا می‌کند. پاسخ‌گویی به پرسش‌های اساسی و بنیادین انسان‌ها یکی از دستاوردهای اساسی دین است؛ اینکه من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ و... جست‌وجوی فرد و یافتن پاسخ برای این پرسش‌ها نشان‌دهنده شکل‌گیری هویت دینی در وجود اوست (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵ش، ص ۲۴۹-۲۵۱).

هویت دینی (religious identity) را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی - اجتماعی دانست که حول یک محور غایی (مفهوم مقدس) سازمان

یافته است و با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، از یک سو، سبب همبستگی و انسجام درون‌گروهی (درون‌دینی) در میان اعضای گروه (دینداران) می‌شود و از سوی دیگر موجبات تمایزات «برون‌گروهی» (برون‌دینی) را با دیگر افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد (رئوفی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۵). هویت دینی را به سبب اهمیت فوق‌العاده و جایگاه والای آن، می‌توان مهم‌ترین بعد هویت دانست که نقش بسزایی در هویت‌بخشی به افراد جامعه ایفا می‌کند.

در این بینش، انسان مسلمانِ موحد، در هر نقطه‌ای از جهان زندگی کند، در ذهن و ضمیر خویش، «خویشتن» را وابسته به هویتی اسلامی می‌یابد و در این فضای فرهنگی تنفس می‌کند. این هویت مایه اتصال فکری و روحی او به قاطبه مسلمانان موحدی است که در فضای عقیدتی مشترکی با آنها قرار دارد. وی از ورای مکان و زمان، خود را عضوی از جامعه اسلامی احساس می‌کند و وحدتی میان خود و آنان می‌بیند و خود را از غیر مسلمانان، مجزا می‌یابد.

اسلام در بدو ظهور خویش در جزیره‌العرب، دینی حامل جهان‌بینی جدید بود که متعاقباً هویت تازه‌ای به کل اجتماع انسانی عرضه می‌داشت. اسلام صرفاً جنبش و نهضتی رهبانی و عرفی در جهت رستگاری فردی نبود؛ بلکه هدف آن از آغاز، رشد و سعادت در تمام ابعاد فردی و اجتماعی بود (بشیریه، ۱۳۹۲ش، ص ۲۳۴). اسلام از آغاز، دین را به زندگی مسلمانان وارد کرد و در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی بین دین با همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها برقرار کرد و بدین ترتیب، دوگانه مسلمان - غیرمسلمان امری جدایی‌ناپذیر از هویت عام جوامع اسلامی شد.

عوامل مختلفی در شکل‌گیری هویت دینی در سطح فردی و اجتماعی نقش ایفا می‌کنند که از آن میان می‌توان به مناسک حج اشاره کرد. مناسک حج و زیارت خانه خدا با یادآوری پرسش‌های بنیادینی که برای افراد مطرح است و پاسخی که به آن پرسش‌ها می‌دهد، هویت دینی آنان را بازیابی و تثبیت می‌کند. افراد هنگام انجام دادن عمل حج همواره سؤال‌هایی از قبیل «من کیستم و از کجا آمده‌ام؟»، «در نهایت به کجا خواهم رفت؟»، «هدف از آفرینش من چه بوده و چه وظیفه‌ای بر عهده دارم؟»، را - که مهم‌ترین مسائل در شکل‌گیری هویت دینی افراد هستند - در درون خود مرور می‌کنند و در صدد ارائه پاسخ‌های عمیق‌تری به آنها هستند. مناسک حج از طریق شیوه‌هایی زائر را در پاسخ به این پرسش‌ها و تثبیت آنها در وجود او یاری می‌کند.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین این شیوه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. خارج کردن انسان از غفلت؛ توجه به امور مادی و سرگرم شدن به مسائل دنیوی، گاه

موجب غفلت از خدا و معنویات، و یاد مرگ و معاد یکی از آثار زندگی با معنویت است:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ
لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ
هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹).

«به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آنها دل‌هایی (عقل‌هایی) دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند، و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایان‌اند؛ بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلان‌اند.»

افراد هنگام انجام دادن مناسک حج، از ابتدا تا انتهای آن، از توجه به مسائل مادی

فاصله می‌گیرند و به امور بنیادین زندگی توجه می‌کنند.

گفت‌وگوی امام سجاد علیه السلام با شبلی، تأثیر حج بر خروج حاجی از غفلت را به خوبی نشان می‌دهد (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۶-۱۷۲). افراد همواره به اجمال پاسخ پرسش‌های مزبور را می‌دانستند و به آن معتقد بودند، در هنگام ادای مناسک، به آنها توجه خاص می‌کنند و دیدگاه خود را درباره آنها در حالت هشجاری مد نظر قرار می‌دهند. این امر بر رسوخ و استقرار آنها در وجود فرد تأثیر بسزایی دارد که به دنبال خود، پایبندی بیشتر به آموزه‌ها و ارزش‌ها را در پی خواهد داشت.

۲. معرفت‌افزایی؛ ارزش اعمال عبادی، از جمله حج و زیارت، به معرفت انسان

بستگی دارد. از توصیه‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه روز غدیر است که فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۲۱۴)؛ «ای مردم، حج خانه خدا را با دینداری و معرفت کامل به جا بیاورید.»

اعمال و مناسک حج، خود به گونه‌ای هستند که آدمی را به اندیشه وامی‌دارند.

احرام، طواف، سعی، وقوف و اعمال آن، همگی انسان را به فکر فرومی‌برند. مناسک حج به زائر نشان می‌دهد که این دنیا بیهوده نیست و او بیهوده آفریده نشده و وظایفی در این

دنیا بر عهده دارد و او را به این درک می‌رساند که خدای متعال دائماً او را در نظر دارد و هدف مشخصی را که قرب الهی است، برایش مشخص کرده و راه سعادت او حرکت در این مسیر است. زائر هنگام حضور در صحرای عرفات و مشعر و منا با تمام وجود درک می‌کند که در روزی پس از این دنیا در صحرای محشر حاضر می‌شود و مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

۳. پاک‌سازی روح و جان از آلودگی‌ها؛ روح و روان انسان‌ها گاه بر اثر خطا و معصیت، دچار آلودگی و زنگار می‌شود. همچنین پرداختن و سرگرم شدن به امور مادی، حتی موارد جایز و حلال آن، به تدریج روح آدمی را تیره و کدر می‌سازد. این آلودگی‌ها و زنگارها، فراموش کردن مسائل بنیادی انسان مانند تفکر در مبدأ و معاد را در پی دارد. اسلام یاد خدا را راهکاری مهم برای رفع این زنگارها و آلودگی‌ها می‌داند. به فرموده پیامبر خدا ﷺ:

«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ قِيلَ فَمَا جَلَاؤُهَا قَالَ ذَكَرُ اللَّهِ وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۷).

«همانا این دل‌ها، زنگ می‌زنند، همان‌طور که آهن زنگ می‌زند. کسی پرسید: جلای قلوب به چیست؟ فرمود: یاد خدا و تلاوت قرآن».

حج یکی از مصادیق مهم ذکر خداست. مناسک حج از احرام گرفته تا طواف، نماز سعی، وقوف و... همگی وسیله یاد خدا هستند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۳) بدین ترتیب، حج از عواملی است که روح و جان انسان‌ها را از آلودگی‌ها و زنگارهایی که آن را تیره و کدر ساخته است، پاک می‌کند و بدین طریق، راه را برای توجه به مسائل بنیادین فرد که بر اثر زنگارها مورد غفلت قرار گرفته، باز می‌کند.

۴. قطع پیوندها و وابستگی‌های مادی؛ زندگی دنیوی و پرداختن به مسائل مادی زندگی، دلبستگی و علاقه به آنها را در پی دارد. منابع دینی هشدار می‌دهند که این مسائل نباید چنان مورد علاقه انسان قرار گیرند که او را از پرداختن به امور مهم و حیاتی‌اش باز دارند.^۲

۱. از پیامبر خدا ﷺ همچنین روایت شده است که فرمود: «إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ وَ أُمِرَ بِالْحُجِّ وَ الطَّوَّافِ وَ أُشْعِرَتِ الْمَنَاسِكُ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ»؛ «همانا نماز واجب شد و به حج و طواف امر گردید و [انجام دادن] مناسک اعلام شد تا یاد خدا بر پا شود».

۲. ﴿الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَاباً وَ خَيْرٌ أَمْلاً﴾؛ «مال و فرزندان زیب و زیور زندگی دنیایند و ماندگارهای نیکو [مانند اعتقادات درست و فضائل

مناسک حج یکی از راهکارهای اسلام برای قطع این پیوندها و دلبستگی‌های مادی و رها ساختن افراد از این قید و بندهای آزاردهنده است. حج، میان انسان و امور دنیوی و مادی فاصله می‌اندازد و بین او و خدا ارتباط برقرار می‌کند. زائر خانه خدا هنگام انجام دادن اعمال، به‌ویژه در هنگام وقوف در عرفات و مشعر و منا، خود را از هرگونه تعلق مادی و دنیوی رها می‌بیند. این امر، تفکر دربارهٔ امور حیاتی و بنیادین را برای او آسان می‌کند و مسیر صحیح را به او می‌نمایاند و حرکت در آن مسیر را برایش آسان می‌کند.

حاصل آنکه، مناسک حج با ظاهر عجیب و استثنایی‌اش هر انسانی را به تفکر وامی‌دارد. پرسش‌های بنیادین مطرح برای هر انسانی را مجدداً برای او طرح می‌کند و از او پاسخ‌های نو و دقیق‌تر از قبل می‌طلبد. موقعیت حاکم بر حج و مناسک آن و انجام دادن آنها در فضایی آکنده از معنویت و توجه، درکی عمیق‌تر درباره دیدگاه‌های بنیادین به فرد می‌دهد. بر اساس این درک جدید، او رفتارهای گذشته خود را نیز از نظر می‌گذراند. کارهای درست و نادرست خود را از هم متمایز می‌کند، بر اشتباهات و خطاهای گذشته افسوس می‌خورد و تصمیم بر اصلاح آنها می‌گیرد؛ درباره رفتارهای صحیح خود نیز تصمیم می‌گیرد آنها را دقیق‌تر و بهتر انجام دهد. همهٔ اینها یعنی درک دقیق‌تر و عمیق‌تر حاجی از خود و به دنبال آن، تقویت هویت دینی او.

حج همچنین مشتمل بر اعمال و اذکاری است که همگی عبادت خداوند به شمار می‌آیند. حج مسلمانان را به سوی خدا و عبادت او فرامی‌خواند و نماز و یاد خدا را در دل‌های آنان زنده نگه می‌دارد. بر این اساس، می‌توان گفت اعمال و مناسک حج از این طریق، بر هویت دینی مسلمانان و به تبع آن، بر هویت دینی جامعهٔ اسلامی تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. از سوی دیگر، حج با مناسک و آداب و شرایط خاصی که در اسلام برای آن مشخص شده، از اختصاصات اسلام است. لذا به‌جا آوردن حج از سوی مسلمانان، هویت اسلامی را به فرد فرد آنان القا می‌کند و آنان را از غیر مسلمانان مجزا و متمایز می‌گرداند. مطالعهٔ دقیق در مجموعهٔ منسجم مناسک حج که هر ساله انجام می‌شود، نشان می‌دهد که حج، اجتماعی کامل با

نفسانی و اعمال نیک] در نزد پروردگار تو از نظر پاداش، بهتر، و از نظر امید [به بازتاب دنیوی و اخروی آن] نیکوتر است.» (کهف: ۴۶).

و جوهی متعدد و درهم تنیده است که هویت دینی مسلمانان را به عنوان جامعه‌ای واحد، آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که آثار همیشگی و فراگیری در امت اسلامی و همه عالم به جای می‌گذارد. خدای متعال، فریضه حج را به گونه‌ای سازماندهی کرده است که در آن، مسلمان‌ها از همه اقطار و اکناف عالم، گرد هم بیایند و خود را در قامت امتی واحد نشان دهند. حج، افرادی را با ملیت‌ها، رسوم و زبان‌های مختلف کنار هم جمع می‌کند که شاید اگر روزهای زیادی در کنار هم زندگی می‌کردند، هیچ انسی باهم نمی‌یافتند؛ اما در این مراسم بزرگ به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می‌بخشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۶/۱/۱۳۷۴). بدین ترتیب، دستاورد این اجتماع عظیم، گسترش و تحکیم هویت دینی جامعه اسلامی در پهنه وسیع آن در جهان امروز خواهد بود.

ب) هویت فرهنگی

اساساً جامعه از طریق جست و جوی هویت و فرهنگ شناخته می‌شود، شخصیت می‌گیرد، درک معنای جدید از حقیقت را باز می‌یابد و مفهوم هویت فرهنگی را خلق می‌کند (نل و کرو، ۲۰۰۸، ص ۳). پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق است که غالباً هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ، شأن مستقلی در هویت قائل می‌شوند. از این رو، در ترکیب هویت فرهنگی باید به مقوله پیچیده فرهنگ توجه بیشتری کرد.

مطابق یک تعریف، فرهنگ، آن چیزی است که کسب می‌کنیم، می‌آموزیم، می‌توانیم انتقال دهیم و در یک کلام مجموعه حیات اجتماعی است که از سازمان‌های نهادی تا حیات روانی را دربرمی‌گیرد (بیرو، ۱۳۷۰ش، ص ۷۷). با این توصیف، هویت فرهنگی نیز بخش مهمی از ویژگی‌های فرد و جامعه است که آنها را از سایر افراد و جوامع متمایز می‌سازد. می‌توان گفت هویت فرهنگی، هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی را که زیربنای تصمیم‌های معتبر، رفتارها، اعمال و فرایندهایی که یک جامعه را در دستیابی به توسعه توانا می‌سازد، تشکیل می‌دهد (سلیمی، ۱۳۷۹ش، ص ۳۰).

هویت فرهنگی، نمادهای آشکار و پنهانی است که مردم سعی می‌کنند با حفظ و نمایاندن آنها خود را از سایر جوامع بازشناسند. هویت فرهنگی، مهم‌ترین عامل وحدت قلبی یک

جامعه است و آن قدر ریشه دار و عمیق است که غالباً ناخودآگاه است و افراد جامعه بدون آگاهی و هوشیاری بدان وابسته و پایبند هستند (ستاری، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۹).

در دیدگاه انسان‌شناسان، هویت فرهنگی از مؤلفه‌هایی چون ملیت، قلمرو جغرافیای سیاسی، زبان و دین تشکیل شده است (روح‌الامینی، ۱۳۷۹ش، صص ۲۸ و ۱۱۰).

آنتا دیوپ، انسان‌شناس سنگالی بر این باور است که هویت فرهنگی یک جامعه، به سه عامل تاریخی، زبانی و روان‌شناختی بستگی دارد که با از بین رفتن هر یک از آنها، هویت فرهنگی ناقص می‌شود (آنتا دیوپ، ۱۳۶۱ش، ص ۵). پرواضح است که از این منظر، هویت فرهنگی با مفهومی وسیع مد نظر قرار می‌گیرد.

مناسک حج به عنوان یکی از اعمال مطرح در اسلام که با حضور انبوه مسلمانان در سرزمین وحی و با انجام دادن اعمالی خاص، تحقق می‌یابد، با هویت فرهنگی مسلمانان ارتباط تنگاتنگی دارد. این ارتباط را می‌توان هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی مورد توجه قرار داد. مناسک حج که با مؤلفه‌های مهم هویت فرهنگی مسلمانان از قبیل دین، تاریخ، زبان، اعمال و رفتارهای خاص ارتباط دارد، در تقویت، گسترش و تثبیت هویت فرهنگی مسلمانان در زائران خانه خدا تأثیر بسزایی دارد.

دین به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویت فرهنگی جوامع مطرح است. زائران خانه خدا به منظور ادای یکی از مهم‌ترین فرایض دینی به این سفر اقدام می‌کنند و در طول اجرای مناسک نیز، دین و دینداری فضای ذهنی و روانی آنان را در بر گرفته است. آنان هنگام انجام دادن اعمال، در فضایی بسیار معنوی و روحانی که برخاسته از دینداری است، سیر می‌کنند. مشخص است که چنین فضایی بر این بعد هویت فرهنگی تأثیر بسزایی دارد. پیش‌تر، در بحث از هویت دینی، به این مسئله پرداختیم.

از عامل تاریخی به عنوان یک مؤلفه مهم هویت فرهنگی جوامع نام برده شده است. تاریخ صدر اسلام جزئی از تاریخ امت اسلامی است و زائران خانه خدا نیز خود را بخشی از امت اسلامی می‌دانند. بر این اساس، آنان تاریخ اسلام را بخشی از هویت و موجودیت خود به شمار می‌آورند. حضور در خانه خدا و سرزمین وحی و ادای مناسک حج، برای زائران، یادآور تاریخ صدر اسلام درونی‌ساز آن در وجود آنهاست. در واقع، زائر، در

دالان تاریخ اسلام، که آن را بخشی از خود می‌داند، سیر می‌کند و بدین ترتیب، هویت فرهنگی خود را تقویت و تثبیت می‌نماید.

زبان به عنوان مؤلفه مهم دیگر هویت فرهنگی شناخته می‌شود. مسلمانان از اقصا نقاط در سرزمین وحی گرد هم می‌آیند و هر یک زبان خاص خود را دارند؛ اما آن زبانی که در این سرزمین مطرح است و اعمال عبادی نیز با آن زبان انجام می‌شود، عربی است.

قرآن کریم و ادعیه و نمازها همگی به زبان عربی هستند و زائران توجه ویژه‌ای به این زبان دارند. در واقع می‌توان گفت هویت فرهنگی مشترک زائران خانه خدا، با زبان عربی به عنوان زبان دین آنان ارتباط وثیق دارد و این ارتباط در سفر حج، تعمیق می‌گردد.

عامل روان‌شناختی به عنوان مؤلفه حائز اهمیت هویت فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. این عامل می‌تواند امور بسیاری را در هنگام انجام دادن مناسک حج در برگیرد؛ از لذت بردن از فضای معنوی و روحانی سرزمین وحی و خانه خدا، تا احساس خوب حضور در کنار برادران دینی و ایمانی از همه نقاط جهان، خشنودی از توفیق ادای مناسک حج و بسیاری امور دیگر. اینها همگی در تقویت و تحکیم هویت فرهنگی زائران بسیار مؤثر است.

نتیجه‌گیری:

آنچه می‌توان در پایان این نوشتار مورد تأکید قرار داد، اهمیت هویت فردی و جمعی در گونه‌های دینی و فرهنگی آن، در مناسک حج است. تلاش افراد و نیز دولت‌ها برای بهره‌برداری از هویت اسلامی برآمده از مناسک عظیم حج می‌تواند آثار و نتایج فردی و اجتماعی مهمی برای دنیای اسلام در بر داشته باشد. هویت دینی مسلمانان، آنان را به دین اسلام پایبند می‌کند؛ به گونه‌ای که به مسلمان بودن خود افتخار کنند و همچنین برای دفاع از کیان اسلام، از جانبازی ابا نداشته باشند و مناسک حج در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین هویت فرهنگی مسلمانان و جامعه اسلامی با تأثیرپذیری از مناسک حج و تقویت و تثبیت مؤلفه‌های آن (دین، تاریخ، زبان [عربی]، و مؤلفه روان‌شناختی)، گسترش و تحکیم می‌یابد. برخوردار شدن از هویت اسلامی، مسلمانان را به عنوان یک جمع متحد در مقابل سایر قدرت‌های برخوردار از هویت‌های مجزا، محافظت می‌کند و در برابر تجاوزات دشمنان به کیان اسلامی در هر کجای عالم، متحد و یکپارچه می‌گرداند.

- * قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۱. آنتا دیوب (۱۳۶۱ش)، «هویت فرهنگی»، پیام یونسکو، شماره ۱۴۹
 ۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، چاپ اول، قم، دار سید الشهداء للنشر.
 ۳. بشیری، حسین (۱۳۹۲ش)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
 ۴. بیرو، آلن (۱۳۷۰ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساروخانی، تهران، مؤسسه کیهان.
 ۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱ش)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، شیرازه.
 ۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹ش)، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹.
 ۷. ربانی، جعفر (۱۳۸۱ش)، هویت ملی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
 ۸. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹ش)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، انتشارات عطار.
 ۹. رئوفی، محمود (۱۳۸۹ش)، «مؤلفه‌های هویت دینی»، مجله دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره اول و دوم (پیاپی ۳۷ و ۳۸).
 ۱۰. ستاری، جلال (۱۳۸۰ش)، «هویت ملی و هویت فرهنگی»، در: بیست مقاله در قلمروی تاریخ و فرهنگ، تهران، نشر مرکز.
 ۱۱. سلیمی، حسین (۱۳۷۹ش)، فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۱۲. شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۷۵ش)، چهره جان، خودشناسی با رویکرد یکپارچه توحیدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۳. الطایبی، علی (۱۳۷۸ش)، بحران هویت قومی در ایران، تهران، نشر شادگان.
 ۱۴. عبداللهی، محمد (۱۳۷۵ش)، جامعه‌شناسی بحران هویت / مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران و جهان»، نامه پژوهش، دوره ۱، شماره ۲-۳.
 ۱۵. عمید، حسن (۱۳۸۸ش)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات فرهنگ اندیشمندان.
 ۱۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ق)، الدعوات / سلوة الحزین، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).

۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۱۸. مشیری، مهشید (۱۳۸۸ش)، فرهنگ زبان فارسی، تهران.

۱۹. میرمحمدی، داوود (۱۳۸۸ش)، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.

۲۰. نقیبزاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۵ش)، درآمدی بر فلسفه، تهران، نشر طهوری.

۲۱. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق

مؤسسه آل‌البیته علیه السلام، قم، مؤسس آل‌البیته، (<http://farsi.khamenei.ir/news->

[content?id=925](#))

22. Jacobson, J.(1998) Islam in Transition, London, Routledge.

23. Nel. D.F & Kroeze. J. (2008) «Information technology as an agent of post modernism», **University of Pretoria**, 2 June 2008.